

گزارش

خاطره آخرین دیدارمان را فراموش نمی‌کنم

گل محمدی: از لقب سیاه‌باز برای بلازویج خوشم نمی‌آید

یحیی گل محمدی، سرمربی پرسپولیس در واکنش به مرگ بلازویج گفت: «من خیلی از بازی‌های ملی‌ام را مدیون آقای بلازویج هستم. ایشان اگر به یک بازیکن اعتقاد داشت هیچ وقت اعتمادش را از دست نمی‌داد. این درس بزرگی برای من شد، همین که خیلی از جوان‌های خوب را با همین روش توانست به فوتبال معرفی کند. انسان شریفی بود، من از اتفاقی که افتاد بسیار ناراحت شدم و فکر می‌کنم کلاً فوتبال دنیا یک مربی بسیار خوب را از دست داد و ان‌شاءالله روحش شاد باشد.»

او درباره هیجان بلازویج گفت: «شاید در فوتبال ایران با توجه به اطلاعاتی که به او داده بودند این روش را انتخاب کرده بود. من فکر نمی‌کنم در کشورهای دیگر که مربیگری کرده بود این روش را انتخاب می‌کرد. در هر صورت فوتبال ایران را خوب می‌شناخت، فوتبال ایران بر مبنای احساسات و انگیزه است. من فکر می‌کنم با بازیکنان طوری رفتار می‌کرد که انگیزه زیادی به آنها بدهد. البته بعضی‌ها از این روش ناراحت بودند که این شیوه فوتبال است. در هر صورت تأثیرات خوبی روی فوتبال ایران داشت و کسی بود که برانکو را به فوتبال ایران معرفی کرد و از وجود برانکو در فوتبال ایران بسیار استفاده کرد. نه فقط در سالی که بود، بلکه در سال‌های دیگر هم تأثیراتش در فوتبال ایران دیده شد.»

گل محمدی درباره توهین‌ها به بلازویج اضافه کرد: «من از این کلمه خوشم نمی‌آید. این روش مربیگری او بود و برخی‌ها این برداشت سیاه‌بازی را از او داشتند. این برخورد روانشناسی خودش بود.»

گل محمدی زنده گل تیم ملی به ایرلند در ورزشگاه آزادی بود، ولی این گل برای صعود کفایت نکرد تا با چشمان اشکبار زمین را ترک کند. او درباره خاطره‌اش بعد از آن بازی گفت: «داشتم ساک خودم را جمع و جور می‌کردم که خارج شویم. یک خاطره‌ای است که همیشه در ذهن من هست، بلازویج را در راهرو هتل دیدم و من را کشید کنار و خیلی با من صحبت کرد. گفت این اتفاقات فوتبالی می‌افتد، همیشه هست، راحت را ادامه بده، ناامید نشو، خیلی از من تشکر کرد و من را بغل کرد و من را دلدار داد. آن آخرین دیدار ما بود و دیگر بعد از آن نتوانستیم همدیگر را ببینیم. برای من به صورت شخصی تأثیرات بسیار مثبتی در زندگی ورزشی و حرفه‌ای داشت.»



رحمان رضایی:

همیشه در قلب منی بلازویج

رضایی در واکنش به اینکه آیا بلازویج تأثیرگذارترین فرد در دوران فوتبال او بوده است، گفت: قطعاً. فکر می‌کنم بعد از ناصر حجازی که در فوتبال باشگاهی، تأثیرگذارترین فرد برای من بوده، ایشان در بازی‌های ملی من، تأثیرگذارترین بوده است. با وجود اینکه بعد از ترک ایران توسط او، ارتباط چندانی با همدیگر نداشتیم اما این مرد برای همیشه در وجود من ماندگار شده و هیچ وقت محبت‌های او را فراموش نمی‌کنم.



رود فان نیستلروی:

رؤیای خاکپو پیوستن به منجستریونایتد بود!

کودی خاکپو پس از درخشش با پیراهن آینده‌هون و تیم ملی هلند، در جریان نقل و انتقالات ژانویه ۲۰۲۳ راهی لیورپول شد. رود فان نیستلروی، سرمربی آینده‌هون در مصاحبه جدید خود از این ماجرا می‌گوید: مقصد رؤیایی کودی خاکپو، از تابستان با آریک تن هاخ در تماس بود. من هم دوست داشتم او به یونایتد برود، نه فقط به خاطر اینکه آنجا باشگاه من است، بلکه یونایتد برای پیشرفت بازیکنان جای بهتری به حساب می‌آید.



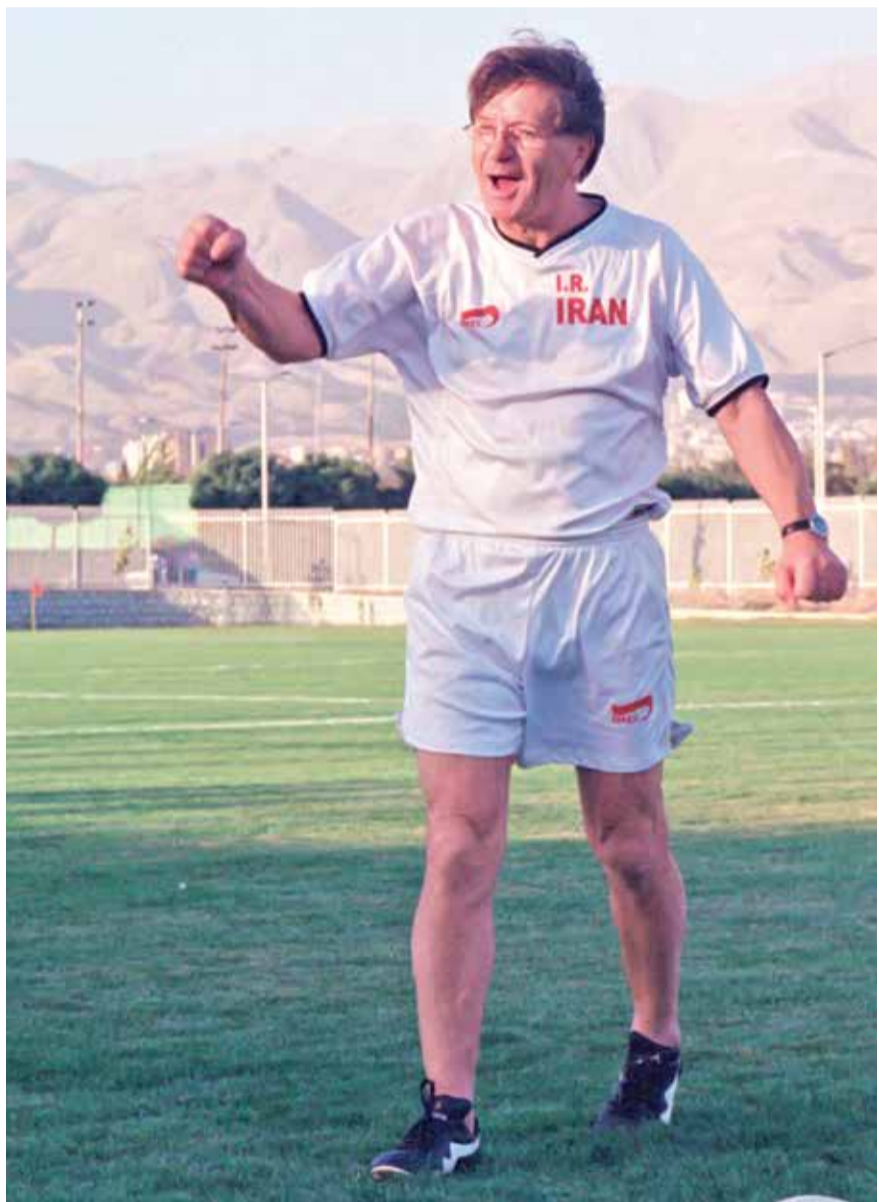
رونالد کومان:

دیگر به نوکمپ نمی‌روم

کومان پس از اخراج از بارسلونا و گذراندن چند ماه بدون تیم، دوباره هدایت تیم ملی هلند را بر عهده گرفت. سرمربی سابق بارسلونا در مصاحبه جدید خود می‌گوید: «مسی فرد بسیار متواضعی است. او خیلی سریع متوجه استعداد پدری شد و همان زمان تمایل داشت تا با او در زمین همکاری کند؛ برخلاف برخی بازیکنان. پس از ماجرای که بعد اخراج من ایجاد شد و داستانم با رئیس باشگاه، این روزها دیگر به نوکمپ نمی‌روم.»

آنتی‌تزرانکو

چه پر شر و شور بود «بلاژ»



عکس: رضا معطربان

وصال روحانی

روزنامه نگار

فقط چند روز از آمدن میروسلو بلازویج به ایران به قصد هدایت تیم ملی فوتبال کشورمان می‌گذشت که برای مصاحبه با او به هتل محل اقامتش در تهران رفتم. مردی که آنجا روبه‌روی خود دیدم، سرشار از شور و شر بود. بخشی از آن شور از التهاب‌های روحی او نشأت می‌گرفت که سبب می‌شد با وجود سالمند شدن هرگز با آرامش که خصلت بارز مسن‌ها است، همسو نشود. بخش دیگری از آن عصیان‌های رفتاری از ناراحتی دائمی معده او برمی‌خاست. او در وسط مصاحبه یکی دو بار از جایش بلند شد و شروع به راه رفتن‌های تند در لابی هتل کرد و وقتی چهره متعجب مرا دید، توضیح داد که یک بیماری گوارشی قدیمی آزارش می‌دهد و «نفخ» معده امان او را بریده است.

حرف‌هایی از جنس آتش

جوشش‌هایی از این دست در رفتارهای حرفه‌ای او هم مشاهده می‌شد. او با شنیدن هر حرف و اظهار نظری که نمی‌پسندید، مثل شی‌آی که روی آتش گذاشته و آن را گذاشته باشند، ترقه‌وار از جایش می‌پرد و بسیار هیجانی به حرف درمی‌آمد و به مخاطبانش می‌تاخت که چرا چیزی را گفته‌اند که به زعم وی خلاف واقعیت است. کافی بود از او می‌پرسیدید که چرا فلان گزینه سزاوار را به تمرینات تیم ملی دعوت نکرده تا سریعاً از جایش بلند شود و شما را متهم به «نقض غرض» کند و او در این راه تا حدیقه‌گیری هم پیش می‌رفت. چه بهره‌ها که برخی خبرنگاران زرنگ و جنجال‌طلب و بعضی رسانه‌های خواهان تیرازی بالاتر از این عادت

«بلاژ» نبردند. آنها چون می‌دانستند چطور این مربی کروات را «آنتریک» کنند، با یک سؤال بودار و انفجاری خون او را به جوش می‌آوردند تا وی چنان به آنها بتازد که از هر حرف وی آتش بیارد و بتوان از هر عبارت وی تیتراهای جذاب ساخت و در صفحه اول چاپ کرد.

خالق یک توفیق بی‌سابقه

میروسلو بلازویج که دیروز در پی یک بیماری طولانی در ۸۸ سالگی در شهر زاگرب درگذشت، در مأموریت اصلی خود در تهران که رساندن تیم ملی به مرحله نهایی جام جهانی ۲۰۰۲ بود، به دست تیم ایرلند جنوبی حذف شد. «بلاژ» پس از آن از ایران رفت و تاج و تخت‌اش را به دستیار نخست خود که همانا برانکو ایوانکوویچ بود و از هر جهت آنتی‌تزر «چپرو» (دیگر نام مستعار بلازویج) به شمار می‌آمد، واگذار کرد. بیهوده نبود که برانکو را مظهر آرامش و نماد تعقل می‌دانستند و خود بلاژ هم با استناد به همین خصلت‌ها، این دستیار هوشمند و حساس را «پروفیسور» می‌نامید. حتماً خوب می‌دانید که فوتبال ملی ما و باشگاه پرسپولیس بر پایه مهارت‌های ایوانکوویچ به چه دستاوردهای ارزشمندی رسیدند ولی بد نیست یادآوری کنیم در مقطع دوم حضور مربی در کشورمان که تحت عنوان سرمربی و سپس مدیر فنی مس کرمان بود، نه آن توجه عظیم قبلی به وی مبذول شد و نه او نتایج مناسبی گرفت. با وجود این، وی برای مردم کرواسی هم یک مربی فراموش‌نشده است زیرا این کشور را به مقام شامخ سوم جام جهانی ۱۹۹۸ رساند که تا آن زمان در تاریخ برگزاری این مسابقات برای کروات‌ها بی‌سابقه بود. یاد او بخیر و خدا وی را قرین رحمت کند.

بخش دیگری از آن عصیان‌های رفتاری از ناراحتی دائمی معده او برمی‌خاست. او در وسط مصاحبه یکی دو بار از جایش بلند شد و شروع به راه رفتن‌های تند در لابی هتل کرد و وقتی چهره متعجب مرا دید، توضیح داد که یک بیماری گوارشی قدیمی آزارش می‌دهد و «نفخ» معده امان او را بریده است



عزیزی: خودم تصمیم گرفتم از تیم ملی جدا شوم

او نتوانست به فوتبال ایران کمک کند

خداداد عزیزی یکی از بازیکنانی بود که رابطه خوبی با بلازویج نداشت و در دوران این مربی از تیم ملی کنار رفت. در آن روزها گفته شد که دلیل ناراحتی عزیزی گرفتن پیراهن شماره یازده تیم ملی از او بوده است. خداداد در یادآوری آن اتفاق گفت: «آن جلسه‌ای که از تیم ملی جدا شدم بازی دوستانه با صنعت بود. من نیمه دوم بازی کردم و خیلی هم خوب بودم. در بازی به من پیراهن نرسید و بلازویج برای اینکه مدیریت کند گفت چه کسی به خداداد پیراهن نداده؟ آقای ابراهیمی گفت پیراهن کم بوده که بلاژ گفت من می‌دهم برای او پیراهن بدوزند. خیلی این چیزها را بلد بود. من گفتم نه پیراهن شماره ۱۱ خودم را می‌خواهم که از رحمان رضایی گرفت و من بازی کردم ولی بعد از شام در هتل تصمیم گرفتم از تیم ملی جدا شوم. او سعی کرد من را متقاعد کند. حتی گفت من هافبک نفوذی خودم را امروز پیدا کردم ولی گفتم نمی‌توانم با شما کار کنم که خیلی هم دوستانه با هم دست دادیم و جدا شدیم. بعد رسانه‌ها شلوغش کردند که دعوا شده و خداداد را بیرون کردند.»

عزیزی درباره اعطای لقب «سیاه‌باز» به بلازویج گفت: «من که در روی صورت او چنین حرفی نمی‌زنم. بعد که کار به مصاحبه و جار و جنجال کشید از قول من عنوان شد کسی که برای من سیاه‌بازی کند را نمی‌توانم بپذیرم. خب مگر می‌شود شما پیراهن یکی را ندانی، بعد به او بگویی برایت لباس می‌دوزم و پلی‌میکر من هستی؟ این هم راهکار او بود که این قضیه را حل کند. بعداً تلاش شد که برگردم ولی خود بلازویج خیلی مایل نبود و دوستان فدراسیون هم فکر نمی‌کنند دوست نداشتند.»

او درباره اینکه آیا بلازویج برای فوتبال ایران مؤثر بوده، گفت: «اگر قرار بود کمک کند تیم باید به جام جهانی می‌رفت که نرفت.»

سوژه

دایی: نمی‌شود نقش این مربی در فوتبال ایران را کتمان کرد
سبک بلازویج تهییج بازیکنان بود

علی دایی که در زمان بلازویج کاپیتان تیم ملی بود، در یادآوری این مربی کروات او را یکی از بزرگترین مربیانی نامید که به فوتبال ایران آمده است. دایی در واکنش به درگذشت سرمربی سابق ایران گفت: «یکی از بزرگترین مربیان و کاردورست‌ترین مربیانی بود که با او کار کردم. از بهترین انسان‌هایی بود که در زندگی‌ام دیدم و چیزهای زیادی از او یاد گرفتم.» دایی ادامه داد: «تا آن زمان یکی از بهترین مربیانی بود که به ایران آمده بود، با هیجان خاص خودش. سبک کاری‌اش این بود و خیلی بازیکنان را تهییج می‌کرد. کنار زمین با بازیکنان شوخی می‌کرد. یک مربی با دانش، انسانی شریف که نمی‌شود نقشش را در فوتبال ایران کتمان کرد.»

بلاژ فرصت صعود مستقیم به جام جهانی ۲۰۰۲ را با شکست مقابل بحرین در منامه از دست داد. آن بازی حاشیه‌های زیادی داشت و گفته می‌شد که دلیل شکست تیم ملی تغذیه اشتباه و خوردن کتک بادمجان بوده. دایی درباره ماجراهای آن بازی گفت: «بلاژ خیلی از عوامل را بررسی می‌کرد. یکی از اتفاقات بد این بود که به خاطر یک جابه‌جایی در بحرین ماندیم. در آن فضا جوی ایجاد شد که باعث شد پروژه بلازویج به سرانجام نرسد و تیمی که شایستگی صعود به جام جهانی را داشت، نتواند راهی آن تورنمنت شود.»

دایی درباره ماجرای غذای سفارت اضافه کرد: «البته خیلی هم شایعه نبود. همه چیز از اینجا شروع شد که ما در بحرین زیاد ماندیم. اگر سفر ما کوتاه‌تر بود شاید اتفاق‌های دیگری می‌افتاد. جو آنجا زیاد خوشایند نبود. بازی افتضاحی انجام دادیم و نمی‌توانیم بعد از باخت حالا همه چیز را گردن بلازویج بیندازیم. روحش شاد باشد.»